

حسین حبیب زاده

خداحافظ رفیق روحت شاد

داغ روی داغ و غصه روی غصه، پر کشیدن عشاق به سوی معبود در زمستان امسال تمام شدنی نیست. دیروز خبر ارتحال آیت الله هاشمی که سالیان سال افتخار داشتیم در خدمتشان باشیم و امروز خبر خداحافظی رفیق دهه ۶۰.

احمد را برای اولین بار در سال ۶۲ دیدم، افتخار ملاقات احمد و میرشکاک را چند سالی به طور هفتگی و برخی اوقات روزانه پیدا کرده بودم. هر دو با شوری وصف ناپذیر اشعاری ماندگار در قلب تاریخ می سرودند. میرشکاک در وصف امیرالمومنین (ع) و احمد در وصف فاطمه زهرا(س). از ویژگی های منحصر به فرد عزیزی آراستگی وی بود، اگر یک ریال هم به دستش می رسید برای خرید عطر و لباس درنگ نمی کرد. شادابی و سرزندگی در چهره اش موج می زد. هر دو ارادت خاصی به مقام معظم رهبری داشتند و همواره منتظر فرا رسیدن زمان سرودن شعر در محضر ایشان بودند. نام احمد عزیزی در ذهنم همیشه این بیت از سروده آن شاعر انقلابی، دردمند و متعهد به انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس را یادآوری می کند:

حضرت زهرا دلش از یاس بود

دانه های اشکش از الماس بود

یاس یک شب را گل ایوان ماست

یاس تنها یک سحر مهمان ماست